

# درون ماندگاری خشونت

تحلیل روانکاوانه خشونت در زندگی روزمره ایرانیان

اسماعیل حسام مقدم

دبیر انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات استان بوشهر

مهدیه امیری دشتی

کارشناس ارشد مطالعات فرهنگی- دانشگاه کاشان

ارائه شده در نهمین همایش سالانه سلامت روان و رسانه – بهمن ۹۷

# طرح مساله

- خشونت در جهان معاصر تفاوت ماهوی پیدا کرده است؛
- در دوران هژمونی میل و لذت از طرق فضای مجازی، خشونت به امری هستی شناسانه مبدل شده است؛
- فرهنگ توده ای ایرانیان با خشونت ورزی در زندگی روزمره هم عنان شده است؛
- خشونت از طریق میل ورزی و فقدان ابژه های میل در جامعه ایرانی، به امری درون ماندگار و بازتولیدشونده و درون زا مبدل شده است.

# چارچوب نظری

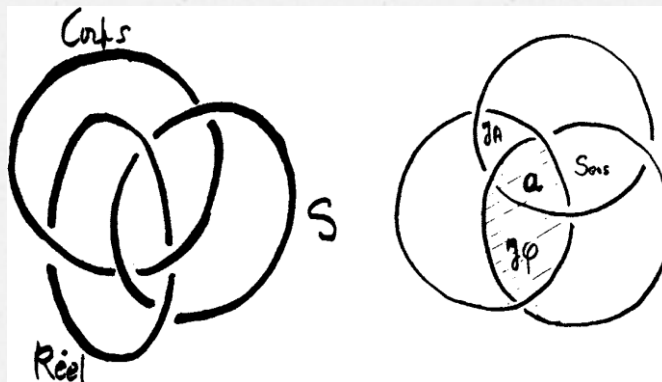
- زیست-قدرت (Bio-politics) از میشل فوکو
- ابژه کوچک دیگری (Objet petit a) – میل (Desire) از ژاک لاکان
- پسا-هژمونی (Post-hegemony) از اسکات لاش
- درون-ماندگاری (Immanent) از آنتونیو نگری و مایکل هارت
- برساخت سوژه (Subjectivity) در مطالعات فرهنگی

## زیست-قدرت (Bio-politics) از میشل فوکو

اینجاست که با صورتی از قدرت مواجه می شویم که در عصر هژمونیک؛ «تنها مسندهای شما را اگر از آن خود می کرد، در اکنون پسا هژمونیک به وجود شما نفوذ می کند. قدرت که پیش از این گسترده بود و از بیرون عمل می کرد، متمرکز شده و حالا از درون عمل می کند.»

ابژه کوچک دیگری (Objet petit a) – میل (Desire)  
از ژاک لاکان

عملکردهای دلالت بخش لاکانی در پروژه "بازگشت به فروید"ش نیز یاد کرد که او هم با صورتبندی توپوگرافیک (مکان نگارانه) گره بر مئویی، ساحت روان سوژه را بر سه حلقه متداخل امر تصویرین، امرنمادین و امر واقع نشانه رفت و آنچه که قدر مشترک هر سه امر بود را "ابژه کوچک آ" (objet petit a) نامید.



## پسا-هژمونی (Post-hegemony) از اسکات لش

○ "من تغییر از هژمونی یا سیاست گسترده به سیاستی متمرکز بر "میل" -  
را در این موارد دنبال می کنم: اول در گذار به یک رژیم هستی شناختی  
قدرت، از رژیمی که در جنبه های مهم خود معرفت شناختی ست؛ دوم در  
تغییری در قدرت از حالت هژمونیک "قدرت بر" به مفهوم متمرکز  
"قدرت از درون" (شامل سلطه از درون) و قدرت به عنوان نیرویی  
زایشی؛ و آخر اینکه در تغییری در قدرت و سیاست که در مفهوم  
هنجارگرایی به رژیم قدرتی که بسیار بیشتر در چیزی که می توان آن را  
واقعی بودن دانست، ریشه دارد. که این نکته به گذاری کلی از هنجار به  
واقعیت در قدرت اشاره دارد."

منبع: لش، اسکات (۱۳۸۸) "قدرت پس از هژمونی" (مقاله)، ترجمه بهک رویین  
تن، مجله مطالعات فرهنگی دانشگاه تهران، شماره ۲۰.

## درون-ماندگاری (Immanent) از آنتونیو نگری و مایکل هارت

سوژه‌ها در جهان جدید، نه در سیطره ایدئولوژی که دچار سلطه پساهاژمونیک "میل" گشته اند(لش، ۱۳۸۸)، و این سلطه درون ماندگار از طریق ساز و کارهای ناخودآگاه "میل" به برساخت سوژه‌ی کنشگر اقدام می‌کند. ارتباطات روزمره سوژه‌ها درون گزاره‌های "قدرت زیستی" ساختار می‌یابد و همه اشکال و نیروهای زیست روزمره به سوی کسب "لذت" بیشتر سوق داده می‌شوند تا از درافتادن هرچه بیشتر در "فقدان" دوری کنند. از درون این زنجیره توالی "میل / فقدان"، سوژه‌هایی از هم گسیخته و از هم پاشیده‌ای برساخته می‌شوند که درون زیست روزمره خود، تماما در جستجوی لذت بیشتر و نیل به "ابژه کوچک دیگری" خود می‌باشند، از همین رو هرچیز کوچک و ناچیزی را به مثابه گره‌گاهی (نقطه کاپیتون) میان میل خود و ابژه‌های بیرونی میل مبدل می‌سازند. که این تمایل همواره با خشونت نمادینی مفصل‌بندی می‌شود. خشونتی که به امری درون ماندگار در سوژه‌ها مبدل گشته و در توالی "میل / فقدان"، فرآیندی از هم افزایی پیچیده‌ای را به وجود می‌آورد.

فرهنگ امروزین ایرانیان درون این ساحت درون ماندگار "قدرت زیستی"، همچون دیگر فرهنگ‌ها به بازتولید سلطه نمادین خویش بر سوژه‌ها پرداخته و با درافتادن در عارضه درازدامن "چالش سنت / مدرنیته"، این خشونت نمادین وجوه و ساحت‌های پیچیده‌تری به خود گرفته است. خشونتی که به امری درون ماندگار مبدل شده و "سوژه‌های در جستجوی میل" ایرانی‌را به جنگ در جاده‌ها(امر لذت بخش سرعت مثلن تصادفات جاده‌ای)، خشونت نگاه خیره (امر لذت بخش خودنمایی مثلن نمایش اعدام و اعدامی)، خشونت نمادین زبانی (امر لذت بخش تحقیر دیگری) و... وامی‌دارد و چنان این اخلاق خشونت ورز، به امری روزمره مبدل گشته که می‌توان ریشه‌ها و خاستگاه‌هایش را در ناخودآگاه فردی و جمعی ایرانیان ردگیری نمود و امر خشونت‌آمیز را به امری درون ماندگار در اخلاق زیست روزمره ایرانیان معاصر تاویل و تفسیر نمود.

## برساخت سوژه (Subjectivity) در مطالعات فرهنگی

این جاست که آن شکل از قدرت هستی شناسانه، خود را در پسا-هژمونی و سوژه ی برساخت شده اش که مبتنی بر میل است، بروز می دهد. در پی این موقعیت مندی، مطالعات فرهنگی به شکلی از مطالعات سوژه های میل گر (سوژه های استعلایی-تجربی) به زعم دلوز و گتاری و سیاست پسا هژمونیک میل می کند. بطور مثال لوفور (۱۳۸۸) کنش تروریستی را در ماهیت زندگی روزمره معاصر می یابد و ژیتک (۱۳۸۹) بازتولید خشونت فوبیاوار را در هستی نظام سرمایه دارانه پی می گیرد.



## جمع بندی

«هر قدر امور روزمره در همه‌ی سطوح و جوانب‌اش به وسیله‌ی خبرگان و مهندسان بیشتر پردازش می‌شود امکان انتخاب فرد در همه‌ی سطوح بیشتر می‌شود و این است نتیجه‌ی پارادوکسیکال عصر مصرف (رشیدیان، ۱۳۸۸)، و همین جاست که «سوژه» ای در این دوره شکل می‌گیرد که از هم پاشیده، خط خورده، تکه تکه شده و شیزوفرینیک است. بدین گونه است که ما از «سوژه»ی محدود مدرنیته به «سوژه»ی حاد پُست‌مدرنیته گذر می‌کنیم. مدرنیته دوران اتمی شدن «سوژه» و پُست‌مدرنیته دوران مینیاتوریزه شدن اوست. بدین ترتیب، انقلاب‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی جهان مدرن در قرن‌های ۱۸ و ۱۹ که در آغاز قرن بیستم انقلاب هنری در شکل مدرنیسم هنری را به بار آوردند از نیمه‌ی قرن بیستم به بعد «انقلاب در امر روزمره» و سبک زندگی را شکل داده‌اند. اکنون با «سوژه» ای روبه روییم که به استقبال نوآوری‌ها در همه‌ی سطوح می‌رود و هر لحظه آماده است شیوه‌ی زندگی‌اش را عوض کند. انسان از این پس، بیش از آنکه جوهری واحد یا اینهمان باشد به موجودی متحرک و حتی قابل بازیابی دائمی تبدیل شده است. (رشیدیان، ۱۳۸۸) از همین رهگذر در فرهنگ ایرانی اگرچه ساحت نمادین امر قدسی؛ قدرت هژمونیک را در اختیار دارد اما سوژه‌های میل گر، در ضمن آن به ارضای بدن به مثابه‌ی امری فیزیکی و بیولوژیکی نیز می‌پردازند و همانطور که در طاقچه اتاق خود کتاب‌های مقدس را دارد، جدیدترین فیلم‌های پرونو و شوهای لباس و مدر را نیز به نگاه خیره خود می‌کشانند و یا همانگونه که عیاری و مردانگی خود را ساحتی نمادین می‌بخشند اما در روز روشن تمایلی به یاری رساندن به کسی را ندارند که در حال کشته شدن توسط دیگری است، چه بسا از این صحنه ایماژگونه، حتا لذت هم ببرند، همانطور که قاتل و مقتول در ساحت از هم گسیخته فرهنگ، از نگاه خیره، لذت خواهند برد. این از هم پاشیدگی ای که از صورت‌بندی لذت هدونیستی مصرف‌گرایی (بودریار، ۱۳۸۶) در ساحت سوژه‌گی افراد رخ می‌دهد، مطالعات فرهنگ – قدرت را به سوی مطالعات روانکاوانه‌ی پسا ساختارگرا رهنمون می‌شود.

# جمع بندی

پروبلماتیک فرهنگی این قدرت هستی شناختی، آنجا به رخداد-حقیقت (بدیو، ۱۳۸۸) مبدل می شود که در عصری که همواره خود را به پیشرفت و تکامل خود می بالید و افتخار می کرد، ناگاه اندیشه های نژادگرایانه (Racism)، بنیادگرایانه (Fundamentalism)، خشونت آمیز و لذت گرایانه؛ همه ی عقلانیت روشنگری غرب را مورد حمله قرار داد و با شکلی از افسون زدایی و باز افسون زایی هستی (شایگان، ۱۳۸۶) روبه رو می شود. به ناگاه تفکرات عقلانی خود را در کوره های آدم سوزی، حملات انتحاری، اغواگری های پرونوگرافیک، سنت گرایی های بنیادگرایانه، مصرف گرایی حاد-واقعیت (Hyper-reality)، سوژه های مبتنی بر میل و... می بیند که همواره آن ساختارهای تمرکزگرای کلام محور، واسازی شده و با گونه ای رخداد "بازی و پیشامد" در این ساختار همبسته ی کلام محور مواجه می شویم (رورتی، ۱۳۸۶). این مساله و پروبلماتیک فرهنگی در ایران نیز خود را در اندیشه های نص گرا و خرافه گرا و عامیانه ی مردم نشان می دهد، آنجا که حتی با استفاده از فضای مجازی (سایت ها و وبلاگ ها و شبکه های اجتماعی) به نوعی به بازتولید هستی های از هم گسیخته ای ره می برد که همواره با صورت و عقلانیت همبسته ی مدرن در تنافر قرار می گیرند، این جاست که ایرانی همواره در شکلی از بازاندیشی سنت، هستی خویش را تعریف می کند که در پیشرفته ترین کنش هایش، گونه ای باز احیای سنت (وجه نمادین فرهنگ) را می توانیم مشاهده کنیم. این همان ناسازه ی گفتمانی ست که به زعم این مقاله حاکی از قرار گرفتن در موقعیت مندی ای هستی شناسانه است که با شکلی خاص از قدرت و در نتیجه زیست-جهان (Life-World) مواجه می شویم که سوژه ی درهم شکسته ی خود را برمی سازد. نشانه شناسی رفتاری ایرانیان در این سرگشتگی و از هم گسیختگی، رجوع به معنویت های جدید و فرهنگ رمالی است که در اواخر دهه هشتاد شمسی به گفتمانی مسلط در جهان وپاشیده شده ی سوژه ی ایرانی مبدل گشت. و یا در خشونت رسانه ای شده به تکثیر فیلم های موبایلی درباره خشونت های ناموسی، خیابانی و ... پرداخته می شود و این به مثابه ی محملی برای گذران اوقات فراغت محسوب می شود و به گونه ای کنشی لذت بخش را سامان می دهد که بر اساس تحلیل پیشین به مثابه ی لذتی درون-ماندگار بازتولید می شود. لذت چشم چرانی با نگاه خیره با میانجی رسانه های در دسترس مانند موبایل و بلوتوس، در حال صورتبندی خشونت فراگیر و مویینه ای در فرهنگ ایرانی هست که به درون-ماندگاری خشونت در هستی ایرانیان پیوند خورده است.